یادداشت روز

متحد شرور

اینکه نیروهای متحدتان در خط مقدم جنگ با دشمن مشترک‌تان درگیر باشند و شما همان زمان به فکر سرنگونی رهبر و فرمانده آنها باشید؛ دقیقاً کاری بود که آمریکا و انگلیس با فرانسه انجام دادند. در حالی که نیروهای ژنرال «دوگل» در فرانسه مشغول جنگ با آلمان نازی و ویشی‌ها بودند، «روزولت» رئیس‌جمهور وقت آمریکا به «چرچیل» نخست‌وزیر وقت انگلیس نامه می‌نوشت و دوگل را فردی «غیرقابل تحمل»، «عقده‌ای» و «دیکتاتور» می‌خواند که باید هر چه زودتر حتی با فرستادنش به «ماداگاسکار» (جزیره‌ای در جنوب آفریقا) از دستش خلاص شوند. چرچیل نیز با روزولت هم نظر بود و می ۱۹۴۳ در اوج جنگ به معاون و وزیر خارجه‌اش دستور داد تا بررسی کنند آیا وقت مناسبی است که «دوگل را به عنوان یک نیروی سیاسی حذف کنیم یا نه.» آن روزها سه سالی می‌شد که ژنرال دوگل به انگلستان پناه آورده بود و در لندن مستقر بود.

البته این اقدام آمریکایی‌ها نسبت به کاری که ۲۰ سال بعد انجام دادند بسیار آبرومندانه‌تر بود. ۲۰ سال بعد در سال ۱۹۶۵ سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا(CIA) مشغول بررسی طرح ترور ژنرال دوگل بود. طرحی که مخالفان رئیس‌جمهور وقت فرانسه به مقامات سیا ارائه کرده بودند و طبق آن قرار بود ژنرال دوگل هنگام بازدید از گروهی از سربازان قدیمی و دست دادن با آنها، توسط یک سرباز قدیمی به وسیله انگشتری زهرآلود، مسموم شود. اینکه سرانجام طرح چه شد، کسی خبر ندارد؛ ما فقط می‌دانیم ژنرال دوگل ۹ نوامبر ۱۹۷۰ در خانه‌اش هنگام تماشای تلویزیون جان داد.

با گذشت ده‌ها سال از آن روزها اما برخورد آمریکا با فرانسه به عنوان متحد نزدیک و قدیمی‌اش تقریباً هیچ فرقی نکرد. ژوئن ۲۰۱۵ مجموعه اسنادی توسط پایگاه افشاگر «ویکی‌لیکس» منتشر شد که نشان می‌داد «آژانس امنیت ملی آمریکا»(NSA) طی سال‌ها از مقامات ارشد فرانسه جاسوسی کرده است. طبق این اسناد آمریکا مکالمات تلفنی سه رئیس‌جمهور فرانسه یعنی «ژاک شیراک»، «نیکولا سارکوزی» و «فرانسوا اولاند» و همچنین مقامات ارشد دولتی، دیپلمات‌ها و سیاستمداران فرانسوی را سال‌ها شنود می‌کرده است. آن‌طور که متن اسناد نشان می‌داد جاسوسی از مقامات فرانسوی شامل سال‌های پیش از این سه رئیس‌جمهور نیز می‌شد و البته هیچ تضمینی وجود نداشت تاکنون نیز ادامه نیافته باشد. مقامات فرانسوی با دیدن این اسناد و انتشار محتوای گفت‌وگوهای‌شان شوکه شده بودند!

این شنودها شامل تلفن‌های ثابت، همراه، خطوط دولتی، شخصی و حتی آنتن مخابراتی مستقر در کاخ الیزه می‌شد که برای حفظ ارتباطات دولتی تحت شدیدترین تدابیر محرمانگی طراحی شده بود. برای مثال سه روز پس از روی کار آمدن فرانسوا اولاند به عنوان رئیس‌جمهور فرانسه، آمریکایی‌ها از طریق شنود مکالمات او با نخست‌وزیرش فهمیدند که اولاند قصد دیدار با مخالفان «آنگلا مرکل» برای دور زدن همتای آلمانی‌اش در موضوع خروج یونان از اتحادیه اروپا را دارد. آنها همچنین یک هفته پیش از دیدار نیکولا سارکوزی با «باراک اوباما» در ۳۱ مارس ۲۰۱۰ می‌دانستند رئیس‌جمهور فرانسه قصد دارد درباره چه موضوعاتی با اوباما صحبت کند چون در ۲۴ مارس، مکالمات سفیر فرانسه در واشنگتن با مشاور دیپلماتیک سارکوزی در کاخ الیزه را شنود کرده بودند. ژوئن ۲۰۱۱ آمریکایی‌ها با شنود مکالمات سارکوزی و وزیر خارجه‌اش فهمیدند رئیس‌جمهور فرانسه قصد دارد با نزدیک شدن به همتای روسی خود، آمریکا را در موضوع تشکیل کشور فلسطین تحت فشار بگذارد. آنها حتی از اختلافات گسترده و عمیق ژاک شیراک با وزیر خارجه‌اش در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری شیراک باخبر بودند.

جاسوسی گسترده از مقامات سیاسی یک متحد نزدیک، به اندازه کافی رسواکننده است اما به پای جاسوسی اقتصادی آمریکا از فرانسه نمی‌رسد. طبق اسناد منتشر شده طیف گسترده‌ای از مشاغل و شرکت‌های فرانسوی هدف جاسوسی اقتصادی و صنعتی آمریکا قرار گرفته بودند. بر این اساس آژانس امنیت ملی آمریکا(NSA) سال ۲۰۰۲ در سندی «فوق محرمانه» حوزه‌های مورد علاقه‌اش برای جاسوسی اقتصادی از فرانسه را مشخص کرد که شامل فهرستی طولانی می‌شد؛ از جمله «روابط اقتصادی فرانسه با آمریکا»، «شیوه‌های تجاری فرانسه»، «کمک‌های بودجه‌ای به ناتو»، «روابط تجاری مشکوک» و... بر این اساس شرکت‌های فرانسوی مانند رنو، پژو، بی.ان.پی پاریباس، توتال، اورنج و... زیر چتر جاسوسی آمریکا قرار گرفتند. آژانس امنیت ملی آمریکا می‌خواست پیشنهادهای تجاری قریب‌الوقوع شرکت‌های فرانسوی در پروژه‌های خارجی و بین‌المللی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار و بیشتر را رصد کرده و آن‌طور که رسانه‌های فرانسوی فاش کردند در عقد قرارداد این پروژه‌ها کارشکنی کند. پس از افشای این اسناد رسانه‌های فرانسوی توجه خود را به قراردادهایی جلب کردند که در تمامی این سال‌ها به نفع طرف آمریکایی ناکام مانده و یا با ضرر و زیان طرف فرانسوی همراه بود.

یکی از موارد مشهور ماجرای «جم‌پلاس»(Gemplus) بود. شرکتی که در زمان خود در حوزه تراشه‌های رمزگذاری شده پیشتاز بود، فناوری‌ای که شرکت‌های آمریکایی نیز هنوز به آن دست نیافته بودند. در اوج فعالیت‌های شرکت، ناگهان سر و کله سرمایه‌گذارانی از تگزاس پیدا شد. رئیس جم‌پلاس(Gemplus) به شوق سرمایه‌گذاری خارجی بخشی از سهام شرکت را واگذار کرد. همین کافی بود تا آمریکایی‌ها در رده‌های مدیریتی شرکت اعمال نفوذ کنند و با گذشت چند سال تمام اسرار تراشه‌های رمزگذاری شده را به دست آوردند و شرکت‌های خودشان را ساختند. پس از آن سرمایه‌گذاران تگزاسی سهام خود را فروختند اما دیگر شرکتی به نام جم‌پلاس(Gemplus) که صاحب فناوری پیشرو در حوزه تراشه‌ها بود؛ وجود نداشت.

ادغام شرکت صاحب‌نام فرانسوی «آلکاتل» با شرکت کمتر شناخته شده «لوسنت» آمریکا یکی از موارد دیگر بود. مدتی پس از این ادغام لوسنت به موقعیتی برتر دست یافت، آلکاتل فناوری‌های اساسی‌اش را از دست داد و نهایتاً ورشکسته شد.

یک مورد جالب دیگر مربوط به شرکت فرانسوی «آلستوم» می‌شد. شرکتی که ناگهان اسناد فساد مالی‌اش در اندونزی، مجارستان، لهستان و تونس آشکار شد، از سوی وزارت دادگستری آمریکا به پرداخت جریمه ۷۹۰ میلیون دلاری متهم و در انگلیس نیز دادگاهی شد. پس از این رسوایی آلستوم یک خریدار سمج آمریکایی پیدا کرد: «جنرال الکتریک». شرکت آمریکایی جنرال الکتریک سرانجام توانست در آوریل ۲۰۱۴ بخش انرژی آلستوم را به قیمت ۱۳ میلیارد دلار بخرد و با این اتفاق عملاً شرکت قدیمی فرانسوی آلستوم منحل شد.

حتی بدون جاسوسی صنعتی نیز آمریکا به تخریب قراردادهای خارجی فرانسه می‌پرداخت. پیمان «آکوس» یکی از این موارد بود که طی آن آمریکا، استرالیا را وادار کرد تا قرارداد خرید زیردریایی از فرانسه را لغو کرده و به جای آن از آمریکا زیردریایی بخرد؛ اقدامی که فرانسوی‌ها آن را «خنجری از پشت» توصیف کردند.

اگر فکر می‌کنید فقط فرانسه است که از شراب‌های آمریکا به عنوان متحد نزدیک و دیرینه خود، ضربه می‌خورد؛ سخت در اشتباهید. آلمان نیز وضعیتی کاملا مشابه دارد. در جریان افشای پروژه «پریسم» توسط «ادوارد اسنودن» کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا(NSA) مجله «اشپیگل» طبق اسناد به دست آمده آمار قابل توجهی از عمق جاسوسی آمریکا در آلمان منتشر کرد. بر این اساس ماهانه نیم میلیارد(۵۰۰ میلیون) ارتباطات تلفنی، رایانامه‌ای، پیامکی و گفت‌وگوهای اینترنتی در آلمان کنترل می‌شد. اندکی بعد اسناد محرمانه دیگری در مجله اشپیگل منتشر شد که نشان می‌داد ایالات متحده واحدی به نام «خدمات جمع‌آوری ویژه»(SCS) دارد که ستادی غیرقانونی و مخفی در سفارت این کشور در برلین برپا کرده است. کارمندان آژانس امنیت ملی(NSA) و آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا(CIA) در این ستاد به شنود ارتباطات مخابراتی ساختمان‌های دولتی آلمان می‌پرداختند. آنها همچنین مکالمات تلفن همراه و دفتر کاری آنگلا مرکل صدر اعظم وقت آلمان را به مدت بیش از ۱۰ سال تا زمان افشای اسناد، شنود می‌کردند.

با این حساب در آلمان از شهروندان عادی گرفته تا عالی‌ترین مقامات دولتی زیر چتر جاسوسی آمریکا قرار داشتند. اما شاید هیچ چیز به اندازه انفجار خطوط انتقال گاز «نورد استریم»(از روسیه به آلمان) در ۴ مهر ۱۴۰۱ شرارت آمریکا حتی نسبت به نزدیک‌ترین متحدانش را نشان نداد. همان ایام «جفری ساکس» استاد اقتصاد دانشگاه کلمبیا، آمریکا را عامل اصلی این انفجار دانست و به «بلومبرگ» گفت: «شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه هلیکوپترهای نظامی آمریکایی که معمولاً در گدانسک مستقر هستند، بر فراز این منطقه در حال گشت‌زنی بودند. ما همچنین بیانیه قابل توجه وزیر امور خارجه، بلینکن را داریم که جمعه گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی در واکنش به آسیب دیدگی خطوط لوله گاز نورد استریم گفت که این یک فرصت فوق‌العاده است.»

مدتی بعد «سیمور هرش» روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی نیز به نقل از منابع خود انفجار نورد استریم را کار آمریکا دانست و جزئیاتی از آن ارائه کرد. او یک سال بعد بار دیگر این خبر را تأیید کرد و گفت واشنگتن به دلیل نگرانی از عدم تبعیت برلین از موضع آمریکا در جنگ اوکراین، تصمیم به از بین بردن خط لوله‌های انتقال گاز نورد استریم گرفت. سیمور هرش در یادداشت خود آورده بود: «عده‌ای در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا(CIA) بر این باور بودند که رئیس‌جمهور آمریکا نگران اولاف شولتس است... شولتس ممکن بود با آمدن فصل زمستان به این نتیجه برسد که حفظ گرمایش مردمش و رونق صنایع کشورش مهم‌تر از پشتیبانی از اوکراین علیه روسیه است.» آلمان هیچ تمایلی برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب و پیگیری فنی و حقوقی انفجار نورد استریم نشان نداد و در نتیجه نقش آمریکا در این اقدام بیش از پیش تأیید شد. آمریکا حتی در موارد متعدد از ماجرای نبرد ساحل نورماندی گرفته تا بحران کانال سوئز، سابقه خیانت به انگلستان را هم دارد. خیلی باید ساده‌لوح بود که با دانستن خیانت‌های آشکار آمریکا در حق نزدیک‌ترین و قدیمی‌ترین دوستان و متحدانش؛ باز هم فکر کرد می‌شود با ساکنان کاخ سفید مذاکره و توافق کرد و آنها هم به توافق خود با ایران متعهد می‌مانند و با لغو تحریم و سرمایه‌گذاری آمریکا، گشایش‌های اقتصادی در ایران رخ می‌دهد! جریان‌های غرب‌زده‌ای مثل جریان موسوم به اصلاح‌طلب وظیفه دارند و حتی تأمین مالی می‌شوند تا این ساده‌لوحی را در جامعه و میان مسئولان ترویج کنند وگرنه حتی نشریه انگلیسی «فایننشال تایمز» نیز دیگر زبان به اعتراف گشوده و گفته است: «با اتکا به آمریکا خودتان را در معرض خطر قرار می‌دهید؛ به آمریکا اعتماد نکنید.»

راستی این روزها وضعیت اوکراین چگونه است؟ «ولادیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور غرب‌زده اوکراین که با اتکا به آمریکا کشورش را درگیر جنگ کرد، نظرش درباره رابطه با آمریکا چیست؟ او هفته گذشته گفت باید بین عزت کشورش و رابطه با آمریکا، یکی را انتخاب کند. زلنسکی پس از سال‌ها مذاکره، توافق و اتحاد با واشنگتن، مشغول کنار آمدن با این واقعیت است که باید یک پنجم خاک اوکراین را به روسیه و معادن ارزشمند اوکراین را هم به آمریکا واگذار کند.

سید محمدعماد اعرابی

آیا تحریف جنگ ۱۲روزه مثل «پانوراما» برای BBC هزینه دارد؟

بی‌بی‌سی پس از جنجال تحریف سخنان ترامپ در مستند «پانوراما» مجبور به عذرخواهی شد درحالی‌که باوجود تحریف و جانبداری آشکارای این شبکه در موضوع مهمی مثل جنگ ۱۲روزه علیه ایران، هیچ عذرخواهی صورت نگرفت. این استاندارد دوگانه بی‌بی‌سی در مواجهه با تحریفاتش تعجب‌برانگیز است.

بعد از استعفای دو مدیر ارشد بی‌بی‌سی جهانی به دلیل جنجال رسانه‌ای تقطیع سخنرانی ترامپ در مستند «پانوراما»، بی‌بی‌سی مجبور به عذرخواهی شد اما ترامپ به عذرخواهی رضایت نداده و درخواست غرامت میلیارد دلاری کرده است.

اما سؤال اینجاست، اگر بی‌بی‌سی به‌خاطر تحریف صحبت‌های ترامپ متحمل استعفای مدیران ارشدش، عذرخواهی و پرداخت غرامت میلیارد دلاری است؛ پس رسانه‌های ضدایرانی از جمله بی‌بی‌سی فارسی که در جنگ دوازده روزه از هیچ تحریف و دروغی علیه ایران دریغ نکردند باید چه هزینه‌ای متحمل شوند؟

در ادامه به بررسی چند نمونه از بمباران رسانه‌ای از قبیل تحریف، دروغ، توجیه جنایات و حملات اسرائیل به مناطق مسکونی، زنان و کودکان بی‌گناه ایرانی، ایجاد ترس و ناامیدی در دل مردم ایران، پوشش یک‌طرفه اخبار جنگ و بازتاب جانبدارانه حملات رژیم صهیونیستی، ضعیف نشان‌دادن توان نظامی ایران و برجسته‌سازی قدرت نظامی اسرائیل که توسط رسانه‌های معاند از جمله بی‌بی‌سی، منوتو و اینترنشنال در طول جنگ دوازده روزه می‌پردازیم.

در جریان جنگ دوازده روزه و در اوج حملات ایران به پایگاه‌های رژیم صهیونیستی، اینترنشنال ادعا کرد که «مردم ایران از پاسخ موشکی ناراضی‌اند». این در حالی بود که حتی طبق نظرسنجی‌های خارجی از جمله «مؤسسه نظرسنجی گالوپ»، اکثریت مردم ایران از پاسخ قاطع ایران حمایت کردند.

«حمله نمادین» اسرائیل به زندان اوین!

شبکه اینترنشنال پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، این جنایت را «اقدامی نمادین» معرفی کرد. این حمله که اینترنشنال آن را «نمادین» توصیف کرد، ۷۹ شهید از جمله زندانیان، کادر زندان و سربازان وظیفه داشت و خسارات زیادی به محله اطراف وارد کرد.

در جریان حمله اسرائیل به زندان اوین، بی‌بی‌سی فارسی سعی کرد با انتشار یک خبر از انتقال زندانیان که آن را «خشونت‌آمیز» تلقی کرد، حاشیه‌سازی کند اما به راحتی از مسئله اصلی که سبب شهید شدن ۷۹ نفر از هموطنانمان در این حمله شد، عبور کرد. علاوه‌بر این بی‌بی‌سی برای انتشار خبر تازه‌ترین آمار «شهدای» حمله به زندان اوین، از عبارت «کشته‌شدگان» استفاده کرد.

جا زدن گشت بسیج علیه موساد به‌جای گشت نظارت بر رفت و آمد

به دنبال درخواست مردم و تشدید گشت‌های بسیج باهدف شناسایی شبکه داخلی نفوذ موساد، اینترنشنال مدعی شد این حرکت برای تنگ کردن عرصه بر مردم بود و موجب بر رفت‌وآمد مردم است. این ادعای کذب در حالی مطرح شد که از مردم خواسته شده بود به علت شناسایی و دستگیری عناصر نفوذی رژیم از ترددهای غیرضروری در سطح شهر خودداری کرده و موارد مشکوک را به دستگاه‌های امنیتی اطلاع دهند.

درحالی‌که با فعال‌شدن ایست‌های بازرسی، تعداد زیادی از عوامل حمله به ایران، رابطان آنها و محل نگهداری پهپادها و ریزپرنده‌های اسرائیلی کشف شد، بی‌بی‌سی فارسی با انتشار تصویری از عوامل برقراری امنیت سعی کرد تا آنها را تضعیف کند.

حمله به میدان قدس تجریش

در ماجرای حمله اسرائیل به میدان قدس تجریش، اینترنشنال و بی‌بی‌سی تقسیم وظیفه کردند.

اینترنشنال حمله به این میدان که جزو معروف‌ترین و پررفت‌وآمدترین میادین شهر تهران است را یک «هدف نظامی» توصیف کرد و از ده‌ها کشته و زخمی غیرنظامی بی‌گناه در اثر این حمله چشم‌پوشی کرد!

اما بی‌بی‌سی فارسی در واکنش به هدف قراردادن میدان قدس تجریش، صورت‌مسئله را زیر سؤال برد و به راستی‌آزمایی تصاویر این جنایت رژیم صهیونیستی پرداخت اما با واکنش شدید کاربران نسبت به راستی‌آزمایی جنایتی این‌چنین عیان و آشکار مواجه شد.

کیوان عباسی، مدیر شبکه منوتو در واکنش به این حمله با توجیه اینکه جنگ بدون خونریزی نمی‌شود؛ در استدلالی عجیب، جمهوری اسلامی را مقصر حمله صهیونیست‌ها دانست!

نگرانی مجری منوتو به‌خاطر حفظ برتری هوائی اسرائیل

تینا قاضی‌مراد، سردبیر اتاق خبر منوتو در مصاحبه‌ای از دستیابی عربستان به F۳۵ ابراز نگرانی کرد. در بخشی از این مصاحبه قاضی‌مراد می‌گوید: «بدا به حال ما اگر روزی عربستان سعودی بتواند F۳۵ بگیرد.» ابتدا به نظر می‌رسد وی نگران برتری هوائی عربستان بر ایران شده است، اما جلوتر مشخص می‌شود منظورش از «ما»، اسرائیل است. در ادامه قاضی‌مراد می‌گوید کاش در نرم‌افزار F۳۵های تحویلی به عربستان تغییراتی ایجاد شود تا برتری هوائی اسرائیل در منطقه حفظ شود.

ادعای فرار مسئولین بلندپایه ایران به روسیه

در ادامه شبکه اینترنشنال در ادعایی مضحک مدعی شد که قائم‌مقام دفتر رهبر انقلاب و دیگر مقامات ایرانی، برای خروج از کشور، با روسیه وارد مذاکره شده‌اند.

جا زدن فیلم موشک‌باران حیفا به‌جای تهران

همزمان با حملات تاریخی جمهوری اسلامی ایران به پایگاه‌های رژیم صهیونیستی، شبکه صهیونیستی اینترنشنال، ویدئویی پربازدید از اصابت موشک سپاه به شهر حیفا را منتشر کرد و در دروغی آشکار، محل این ویدئو را تهران معرفی کرد. البته پس از روشدن دست این رسانه وابسته به اسرائیل بی‌سروصدا مجبور به حذف این ویدئو شد.

حمایت‌ها و روایت‌های یک‌طرفه اینترنشنال از جنگ دوازده روزه (پوشش گسترده اخبار تلفات و آسیب‌های ایران و سانسور مطلق تلفات اسرائیل) باعث بایکوت گسترده این شبکه توسط بسیاری از کاربران، مخاطبان و سلبریتی‌های داخل ایران شد.

توضیح سفیر ایران در ریاض در مورد نامه رئیس‌جمهور به ولیعهد عربستان

سفیر جمهوری اسلامی ایران در ریاض درخصوص نامه رئیس‌جمهور به ولیعهد عربستان سعودی توضیحاتی را ارائه کرد.

علیرضا عنایتی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی در پاسخ به پرسش ایرنا راجع به محتوای پیام رئیس‌جمهور کشورمان به ولیعهد عربستان گفت: سال گذشته و در پی انتصاب آقای بیات به ریاست سازمان حج و زیارت، آقای دکتر پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان پیامی را درخصوص حج برای امیر محمد بن‌سلمان ولیعهد عربستان فرستادند. آن پیام با حضور اینجانب تسلیم وزیر حج عربستان شد. به گزارش ایرنا، عنایتی افزود: امسال نیز جناب رئیس جمهور پیامی را در قدردانی از تسهیلات ارائه شده به زائران حج سال جاری به ویژه به‌خاطر مساعدت عربستان در انتقال حجاج ایرانی در شرایط خاص ناشی از تجاوز رژیم صهیونیستی، برای ولیعهد عربستان ارسال نمودند. این پیام از سوی آقای رشیدیان رئیس جدید سازمان حج و زیارت با حضور اینجانب تسلیم امیر عبدالعزیز بن سعود وزیر کشور و رئیس شورای عالی حج عربستان گردید. به گفته عنایتی، در این پیام بر گسترش روابط فیمابین ایران-عربستان تاکید شده و از خدمات‌رسانی عربستان و ارائه تسهیلات به حجاج ایرانی تقدیر شده است. سفیر کشورمان در عربستان تصریح کرد که آقای رشیدیان در این سفر توافق‌نامه حج سال آتی را در جده با وزیر حج عربستان به امضا رساند.

خبر ویژه

قاچاق ۶ میلیارد دلاری سوخت و کوتاهی در راه‌اندازی «سامانه جامع مدیریت هوشمند انرژی»

تاخیر و کوتاهی در راه‌اندازی «سامانه جامع مدیریت هوشمند انرژی» که تکلیف قانون توسعه بوده، یک علت عمده در قاچاق چندمیلیارد دلاری سوخت است. این علاوه‌بر خیانت دولت روحانی و تیم زنگنه در حذف سهمیه‌بندی و کارت سوخت در سال ۱۳۹۴ است که موجب شده کشور از صادرکننده ۶ میلیارد دلاری بنزین به واردکننده ۶ میلیارد دلار بنزین تبدیل شود و سود هنگفت این خسارت ملی را قاچاقچیان بزرگی ببرند که خط لوله‌های چند کیلومتری نصب می‌کنند و سوخت را از کشور قاچاق می‌کنند.

چند روز قبل، سردار رادان فرمانده نیروی انتظامی خبر داد: یک قاچاقچی سوخت بعد از یک سال کار اطلاعاتی و انتظامی دستگیر شد. قوه قضائیه او را ۱۱ هزار میلیارد تومان جریمه و از او ملک برای کار کارشناسی طلب می‌کند، اما قاچاقچی با جسارت و اعتماد به نفس گفت که ملک چیه! کارشناسی چیه! و کل ۱۱ همت را در کمتر از دو ساعت جیرینگی پرداخت کرد.

همچنین رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا گفته است: روزانه بیش از ۲۱میلیون لیتر سوخت از کشور قاچاق می‌شود و ارزش این میزان قاچاق حدود هزار میلیارد تومان است. با وجود تشکیل ۲۱ هزار پرونده، دستگیری ۲۰ هزار قاچاقچی و توقیف ۱۶ هزار خودرو؛ سالانه ۵.۲ میلیارد دلار و روزانه بیش از ۲۰ میلیون لیتر قاچاق سوخت داریم.

رقم روزانه «هزارمیلیارد تومان قاچاق سوخت، یعنی سالانه ۳۶۰هزارمیلیارد تومان» که معادل یارانه نقدی یک سال کشور است.

رئیس کل دادگستری استان هرمزگان چندی پیش خبر داد: اعضای بزرگ‌ترین باند سازمان‌یافته قاچاق کلان سوخت دستگیر شدند. متهمین اصلی به منظور هدایتگری شبکه‌های کوچک‌تری راه‌اندازی و ضمن بهره‌گیری از قاچاقچیان حرفه‌ای در حلقه اول این شبکه‌ها، در سال‌های اخیر بیش از ۴ میلیارد لیتر سوخت به خارج از کشور قاچاق کرده‌اند. حساب‌های بانکی ۷۵۳ نفر از قاچاقچیان سوخت و مرتبطین آنها رصد شده و میزان گردش مالی این افراد در چند سال اخیر بیش از ۱۶۷ همت می‌باشد. برای هر یک از آنها پرونده‌ای جهت رسیدگی به اتهام پولشویی تشکیل شده است.

از سوی دیگر، قشم دادستان عمومی و انقلاب شهرستان قشم، از کشف خط لوله ۴ کیلومتری قاچاق سوخت در ساحل این شهر خبر داد و گفت: این شبکه به‌صورت سازمان‌یافته، سوخت را به شناورهای حامل سوخت قاچاق در نقاط دور از دید می‌رسانده است. پس‌از ۲ سال کار اطلاعاتی شبانه‌روزی، یک باند سازمان‌یافته قاچاق سوخت موسوم به «طوفان» با گردش مالی ۱۶۷ هزار میلیارد تومان منهدم شد. این باند توسط سرشبکه‌های داخلی و خارجی مدیریت می‌شد و در زیرمجموعهٔ آن، ۳۵ شبکهٔ سازمان‌یافتهٔ دیگر هم فعالیت داشتند. خریدار اصلی سوخت قاچاق شده، یک شرکت بین‌المللی مستقر در یکی از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس است. متهمین در سال‌های اخیر بیش از ۴ میلیارد لیتر سوخت به خارج از کشور قاچاق کرده‌اند.

این حجم از قاچاق سوخت، سازمان‌یافتگی قاچاق و استفاده از خلا شفافیت در زمینه توزیع و مصرف سوخت را یادآوری می‌کند. بنابراین باید ضمن قدردانی از زحمات نیروهای انتظامی و اطلاعاتی که برای مبارزه با قاچاق تا مرز جانفشانی هم پیش می‌روند، باید از دولت و مدیران نفت درباره تاخیر در نابودی بستر این حیف و میل بزرگ بیت‌المال توضیح خواست و به ویژه مدیران متخلف در دولت روحانی را هم بازخواست کرد. یکی از راه‌حل‌های مؤثر در زمینه جلوگیری از قاچاق سوخت؛ تسریع در راه‌اندازی «سامانه جامع مدیریت هوشمند انرژی» (جز ۲ بند پ ماده ۴۴ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت) و اخذ گزارش ماهانه اجرای آن از وزارت نفت است. در این باره طبیعتا باید مدیرانی مانند معاون‌های نظارت، معاون حراست، معاون پالایش و پخش، و بازرسی وزارت نفت پاسخگو باشند:

ماده ۴۴- با هدف تولید حداکثری و در راستای توسعه سیاست (دیپلماسی) انرژی و حضور در بازارهای بین‌المللی و مقاوم‌سازی اقتصاد، اقدامات زیر انجام می‌گیرد:... پ- وزارت نفت مکلف است:... - به میزانی که در لوایح بودجه سنواتی تعیین می‌شود از محل منابع داخلی شرکت‌های تابعه خود و حساب سرمایه‌گذاری نفت و گاز، حداکثر تا پایان سال دوم برنامه با راه‌اندازی و بهره‌برداری از سامانه جامع مدیریت هوشمند انرژی جهت پایش و نظارت بر جریان و فرآیندهای نقاط استخراج، انتقال و ذخیره‌سازی، تولید و مصرف (داخلی و صادرات) کالاهای: ۱) نفت خام، میعانات گازی و گاز (ترش و شیرین) ۲) فرآورده‌های نفتی اصلی، ویژه و فرعی ۳) فرآورده‌های گازی ۴) فرآورده‌ها و مشتقات پتروشیمی با دو ساختار ۱- «بانک اطلاعات و داده» ۲- «نصب دستگاه‌های سنجش الکترونیک هوشمند جرمی» در خطوط لوله و کلیه مجاری و انبارهای صنعت نفت کشور ترتیبی اتخاذ نماید تا امکان رصد لحظه‌ای و میزان در جریان کالاهای فوق‌الذکر از برداشت تا مصرف در خطوط لوله و کلیه مخازن و انبارها فراهم شود. وزارت نفت مکلف است گزارش عملکرد اجرای این بند را به صورت ماهانه به کمیسیون انرژی و کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی مجلس ارائه نماید. مستنکفین از اجرای این جزء به تناسب امتناع و یا ممانعت از اجرا، به مجازات تعزیری درجه دو تا پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. علاوه‌بر مجازات یادشده در صورت عدم پیاده سازی سامانه، از سال سوم اجرای برنامه، معادل پنج در ده هزار ارزش تمامی مبادلات از محل منابع داخلی شرکت‌های تابعه ذی ربط به حساب «بهینه‌سازی مصرف انرژی» واریز می‌شود.

گزارش «اعتماد» از عملکرد مثبت خاندوزی و تورم‌سازی همتی

روزنامه وابسته به شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن بررسی سه وزیر اقتصاد سه دولت اذعان کرد: احسان خاندوزی موفق شد روند فروپاشی اقتصاد را مهار کرده و برخی شاخص‌ها را بهبود دهد، اما اصلاحات ساختاری به سرانجام نرسیدند. عبدالناصر همتی، رویکردی پرریسک در پیش گرفت که به جهش ارزی و تورمی منجر شد.

روزنامه اعتماد، ضمن صرف‌نظر کردن وزارت اقتصاد دولت روحانی که بدترین کارنامه را برجا گذاشت، به بررسی عملکرد آقایان خاندوزی، همتی و مدنی‌زاده در دولت‌های رئیسی و پزشکیان پرداخت و نوشت: خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم (شهریور ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۳) در شرایطی سکان اقتصاد را در دست گرفت که کشور با میراث تورمی و رکود مزمن مواجه بود. در سه سال وزارت وی، روند برخی شاخص‌های کلان تغییرات چشمگیری داشت:

* کنترل نسبی تورم: در ابتدای دولت سیزدهم، حذف ارز ترجیحی و سایر شوک‌های قیمتی موجب جهش تورم شد. [علت حذف ارز ترجیحی، خالی کردن تمام خزانه ارزی در دولت روحانی بود] تورم نقطه‌به‌نقطه در فروردین ۱۴۰۲ به حدود ۵۵ درصد رسیده بود که یک وضعیت بحرانی محسوب می‌شد. خاندوزی با تأکید بر انضباط پولی و اقدامات ثبات‌بخش، توانست تورم را در مسیر کاهشی قرار دهد؛ به‌طوری که این نرخ در خرداد و تیر ۱۴۰۳ به حدود ۳۱٫۵درصد کاهش یافت. [روحانی، دولت را با تورم ۴۵ درصد تحویل آقای رئیسی داد] هرچند تورم ۳۱ درصد همچنان بالا و دور از هدف‌گذاری‌های بلندمدت بود، اما روند نزولی تورم در نیمه دوم دوره وی نشانه‌ای از مهار نسبی فشارهای قیمتی تلقی شد. همچنین طبق گزارش بانک مرکزی، تورم مصرف‌کننده در اواخر دولت سیزدهم تحت کنترل نسبی قرار گرفت و روند کاهشی یافت.

* رشد اقتصادی و اشتغال: پس از چند سال رشد اقتصادی ناچیز یا منفی در اواخر دولت روحانی، خاندوزی از بازگشت رشد مثبت دفاع کرد. اقتصاد ایران در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ عمدتاً به کمک افزایش صادرات نفت و سرمایه‌گذاری‌های جدید از رکود خارج شد. تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۲ رشدی در حدود ۵ درصد را تجربه کرد. هرچند برخی اقتصاددانان استدلال می‌کنند بخش بزرگی از این رشد وابسته به نفت بوده و رشد غیرنفتی متوسط سالانه تنها حدود ۲ درصد بوده است، نمی‌توان تغییر فاز اقتصاد از رشد منفی به مثبت را نادیده گرفت.

در حوزه اشتغال نیز دستاورد مهمی ثبت شد؛ نرخ بیکاری از ۹٫۲ درصد در ابتدای دولت سیزدهم به ۸٫۱ درصد در پایان سال ۱۴۰۲ کاهش یافت که پایین‌ترین نرخ بیکاری در یک دهه اخیر بود. طی این سه سال حدود ۱٫۵ میلیون نفر به تعداد شاغلین کشور افزوده شد. این بهبود اشتغال، در کنار رشد اقتصادی مثبت نشان‌دهنده حرکت اقتصاد از رکود به سمت احیای تدریجی بوده است.

* مدیریت بودجه و بدهی‌ها: خاندوزی با کسری بودجه مزمن و انباشت بدهی دولت قبل مواجه بود. بخشی از استراتژی وی انتشار اوراق بدهی برای بازپرداخت تعهدات گذشته بود.

جمع‌بندی عملکرد خاندوزی: او توانست روند فروپاشی شاخص‌ها را متوقف کرده و برخی بهبودهای نسبی ایجاد کند: تورم به trajectory نزولی هدایت شد، رشد اقتصاد از سر گرفته شد، بیکاری به پایین‌ترین حد دهه اخیر رسید و توزیع درآمد تا حدی بهبود یافت (ضریب جینی ۱۴۰۲ به پایین‌ترین سطح یک دهه رسید). با این حال، ابرچالش‌های اقتصاد ایران نظیر کسری بودجه ساختاری، نقدینگی فزاینده و ناکارآمدی شبکه بانکی در زمان وی حل‌وفصل نشدند.

اعتماد در ادامه درباره عملکرد عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد برکنار شده دولت پزشکیان نوشت: همتی که سابقه ریاست بانک مرکزی در دولت روحانی را در کارنامه داشت، در آغاز دولت پزشکیان به عنوان وزیر اقتصاد معرفی شد. انتصاب وی با امید به بهره‌گیری از تجربه پولی و بانکی او برای مهار چالش‌های اقتصاد صورت گرفت. با این حال، دوره مسئولیت همتی بسیار کوتاه و پرتنش بود و تحولاتی که در این مدت رخ داد تاثیر چشمگیری بر شرایط کنونی گذاشت:

* افزایش دوباره تورم و جهش ارزی: مهم‌ترین اتفاق دوره کوتاه همتی، شوک ارزی پاییز ۱۴۰۳ بود. وی با هدف اصلاح ساختار معیوب ارز ترجیحی، سیاست تک‌نرخی کردن ارز را دنبال کرد که به حذف نرخ نیما (حدود ۲۸ تا ۴۰ هزار تومان) و معرفی نرخ جدید مرکز مبادله در کانال ~۷۰ هزار تومان انجامید. این اقدام یکسان‌سازی ارزی، هر چند در بلندمدت می‌تواند شفافیت ایجاد کند، اما در کوتاه‌مدت منجر به جهش قیمت ارز و افزایش انتظارات تورمی شد. قیمت دلار طی دوره شش ماهه وزارت او به شکل چش